

ضمانت بر تقسیط مهریه. میانکشی فقهی، حقوقی و اخلاقی

محمود قیوم زاده^۱

طاهره پورنعمتی شمس آباد^۲

چکیده

در طول تاریخ، جدای از مسائل و نهضت‌های سیاسی و دینی و گرایش‌ات و تمایلات مختلفی که در جوامع در حال تغییر و پیشرفت و گاهی نیز رو به سوی فروپاشی بوده است، خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد هر جامعه، تحت تأثیر عوامل مختلف دچار تحولات گوناگونی شده و همواره در معرض خطرات مختلفی من جمله فروپاشی و کاهش گرایش‌ات اخلاقی قرار گرفته است، بر همین اساس حقوق‌دانان، فقها و معلمان اخلاق، برای جلوگیری از پاشیدگی این نهاد اصلی جامعه و به منظور مصونیت خانواده از تحولات منفی جوامع، دست به وضع یک سری حقوق و تکالیف در خانواده زده‌اند. چه اینکه در بین علوم مختلفی که به بررسی خانواده و نقش آن در تربیت فرزندان می‌پردازد علم اخلاق دارای مسوولیت خطیرتری است، و چه بسا تمام علوم مرتبط با خانواده من جمله حقوق و علوم اجتماعی و روانشناسی بر پایه اخلاق پایه‌گذاری شده‌اند، و علم اخلاق خود برگرفته از تعالیم اسلامی و آیات وارده می‌باشد و با توجه به اینکه در آموزه‌های دینی شریعت اسلام آنچه بیش از همه مورد توجه بوده، حفظ و نگهداری قانون خانواده به عنوان امن‌ترین رکن جامعه، است، چه بسا می‌توان گفت که علم اخلاق، اساس و پایه نگارش حقوق خانواده می‌باشد.

واژگان کلیدی

حقوق، فقه اسلامی، مهریه، اخلاق اسلامی.

۱. استاد تمام گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: maarefteacher@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)،

Email: freshetecc@yahoo.com

اصفهان، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۱

طرح مسأله

مسائل اخلاقی در هر دوره ای مورد توجه بوده است، ولیکن در زمان کنونی به دلیل افزایش بی رویه فساد و جرایم، مسائل اخلاقی نمود بیشتری پیدا کرده است و در مورد مسائل خانوادگی، نیاز به قواعد اخلاقی بیشتر احساس می شود. در چنین شرایطی که حتی تبلیغات مختلف بر روند تشکیل خانواده و ادامه آن بی تاثیر نیست و این نهاد اجتماعی را به حیطه انحطاط می کشاند، توجه به مسائل علم اخلاقی از اهمیت بیشتری برخوردار می شود، بنابراین حقوق خانواده نیازمند آن است که در پرتو علم اخلاق، تکامل یابد. چرا که اگر اخلاق از بین مردم رخت بر بندد، نه دینی برایشان باقی می ماند و نه دنیایی.

علم اخلاق به عنوان یک علم جداگانه مورد بررسی قرار نمیگیرد بلکه در ارتباط با سایر علوم، خود را نشان خواهد داد، علم حقوق که در صدد تنظیم روابط انسانی و بهبود آن ایجاد شده است، بدون بنیان های اخلاقی به هدف اصلی خود نخواهد رسید. چرا که اصول اخلاقی منجر به تثبیت بنیان های علم حقوق خواهد شد. تبعات تثبیت عمل اخلاقی و عادت دادن آحاد مردم و طبقات مختلف اجتماعی به عمل پسندیده توسط قانونگذاران و تعیین ضمانت اجرایی نسبت به آن، جامعه را در مقابل انحرافات بیمه خواهد کرد، و خلق و خوی نیکو را در میان آن ها رواج خواهد داد.^۱

اما چنانچه اشاره رفت در حقوق خانواده، اخلاق تاثیر بیشتری نسبت به سایر موارد و قوانین حقوقی دارد، چه اینکه تکالیف و حقوق در خانواده از اخلاق اسلامی و آموزه های دین مبین اسلام تبیین شده است. یکی از حقوقی که خداوند در ازدواج برای زن قرار داده است، حق برخورداری از مهریه است، در جوامع امروزی با توجه به افزایش رو به رشد میزان مهریه، قانونگذار برای حل این معضل، راهکارهایی ارائه نموده است، یکی از این راه حل ها، تقسیط مهریه است اما چنانچه مشهود است، این راهکار، خود نیز دارای تبعات مثبت و منفی است. و در این مقال بررسی خواهد شد که آیا راهکاری برای تضمین پرداخت مهریه توسط مرد به زن وجود دارد که زن بتواند از این حق شرعی خود به نحو نیکوتری برخوردار شود؟

نقش اخلاق در خانواده

اخلاق در الگوی ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام

ازدواج در اسلام، ریشه در سنت الهی دارد و دارای تناسب بسیاری با فطرت اخلاق گرایانه می باشد، چرا که اسلام، ازدواج را تنها راه برای ارضای غریزه جنسی انسان نمی داند بلکه هدف اصلی را تکثیر نسل پاک می داند، از همین روی، پیامبر اکرم (ص) در امر تشویق به ازدواج

۱. احمدیه مریم (۱۳۹۱)، اخلاق در خانواده، نشریه: مطالعات راهبردی زنان، تابستان ۱۳۸۰، ش ۱۲.

فرمودند: ازدواج كنيد تا نسل شما زياد شود، چرا كه من به تعداد شما در روز قيامت بر ديگر است‌ها، مباحثات مي‌ورزم. علت اصلي توجه فراوان به نسل پاك مسلمانان و تأكيد بسيار بر ازدواج اين است كه علاوه بر وراثت، اعتقادات افراد از طريق تربيت و پرورش نيز به فرزندان منتقل مي‌شود، لذا از نظر اسلام ازدواجي نيكو است كه با اخلاق و ايمان ارتباط داشته باشد بر اين اساس، اسلام در پي پرورش نسلي است كه از نظر اعتقادي و اخلاقي از آلودگيهاي ظاهري و معنوي به دور باشد و به همين دليل در گزينش همسر، تأكيد فراواني بر انتخاب همسري پاك سرشت از ناحيه وراثت و سپس از منظر اخلاقي آمده است، چنانچه پيامبر (ص) فرموده است: با زناني ازدواج كنيد كه فرزندان و پر خيّر و بركت باشند و علاوه بر آن در مورد خصوصيت فردي كه براي شير دادن به نوزاد انتخاب مي‌شود نيز ايمان را مهم مي‌داند و اين در صورتي است كه زن و مرد در ايجاد هسته خانواده نقش مهم‌تري دارند، بنابراين انتخاب همسر شايسته در اسلام و اخلاق اهميت وافري دارد.

گذشته از آن، آدمي از نظر عقل و فطرت نيازمند آرامش روحي و رواني است چرا كه در صورت وجود تنش‌هاي فكري و روحي، انسان از رسيدن به اهدافش باز مي‌ماند فلذا رسيدن به آرامش از نتايج مفيد و مؤثر ازدواج است و درك نيازمندي‌هاي روحي و عاطفي متقابل زوجين يكي از اصول اخلاقي است كه در محيط خانواده براي مدت طولاني يعني تا پايان عمر دنبال مي‌شود. (اسحاقى تيموري، آريتا- ۱۳۹۶)^۱

ظهور اخلاق در حقوق و تكاليف خانواده اسلامي

ارزش اخلاقي در ازدواج، به رعايت قوانين و حدود الهي است. حقوق و تكاليفي كه مابين زوجين و يا اعضاي خانواده وجود دارد، نمود تعامل اخلاق و قوانين اسلامي حاكم بر خانواده اسلامي است. چرا كه مواردی از احكام فقهی و حقوقی اسلامي در خانواده كه هم شامل حقوق مادي و هم دربردارنده حقوق معنوي مي‌باشد داراي آميختگي با اخلاق است كه به دو دسته تقسيم مي‌شوند: ۱- حقوق و تكاليف بين والدين و فرزندان ۲- حقوق و تكاليف بين زن و شوهر بحث در مورد اول در اين مقال نمي‌گنجد، اما در خصوص مورد دوم يعني حقوق و تكاليف بين زن و شوهر، دو مسئله مورد بحث است:

۱. تمكين

از ريشه "مكن" است به معنای قدرت و سلطنت دادن. يكي از مصاديق بارز شوهرداري تمكين و اطاعت زن از شوهر در چهارچوب قوانين شرعي و عقلي است. تمكين خاص و پرداخت

1. <https://www.civilica.com/paper-CJLPO2-VJLPO2>

نفقه در حقوق خانواده، در حقیقت، زمینه‌ای برای دستیابی به تمکین و اطاعت اخلاقی، یعنی همان مجموعه رفتارهای مطیعانه زن و نه فقط تمکین جنسی است. زیرا در برخی از موارد، علیرغم عدم استمتاع جنسی، فقها قاتل به عدم سقوط نفقه هستند. (صاحب جواهر: ۳۱-۳۱۲)^۱

۲. ریاست شوهر

ریاست شوهر در خانواده به معنای مدیریت صحیح است که با علامت همراه است و اصل عدالت نیز از مفاهیم بلند اخلاقی است. (اسحاقی نیموری، ازیتا، ص ۵)

فلذا اگر معنا و مفهوم ریاست از معنای حاکمیت خارج شده و بر تحکیم تبدیل شد، امری ناپسند و مذموم است که برخلاف عدالت است. طبق آیه ۳۴ سوره نساء^۲، مصلحت خانواده در این است که ریاست و مدیریت خانواده بر عهده مرد باشد و این مدیریت به معنای تحکم و زورگویی و خود محوری و سلطه و تبعیض نیست بلکه به معنای خدمتگزاری و رهبری این نهاد کوچک یا همان سلطه حکیمانه اداری و غیر استبدادی است. (اسحاقی نیموری، ص ۵)

خانواده، واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط با پدر در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.^۳ علاوه بر این، باید در نظر داشت خانواده عنصر طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از جامعه و دولت انتظار حمایت داشته باشد.^۴

بر اساس آموزه‌های اسلامی، خانواده مرکز مهر ورزیدن و محبت و رسیدن به آرامش و امنیت است. بنابراین قوانین و احکام جاری و تصویب شده در حقوق خانواده نیز، باید برگرفته از اصول اخلاقی باشد، چرا که خانواده محلی برای اجرای احکام خشک و سخت نمی‌باشد و عنصر اصلی حفظ آن نیز، مهرورزی است. فلذا چنانچه در دین اسلام نیز شاهد آن هستیم تمام قوانین و احکامی که من باب خانواده صادر شده است همگی بر پایه عشق ورزیدن می‌باشد، مهریه نیز از همین دسته است چه اینکه در دین اسلام مهر به عنوان وسیله‌ای برای ابراز محبت مرد به زن بنا نهاده شده و طبق آیه ۱۹ سوره نساء اگر حتی به مبلغ زیاد مهری برای زنی تعیین شد و به او

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: شهید ثانی، مسالک الافهام، ۱/۱۶۳۲ و محقق حلی شرایع الاسلام، ۲/۴۶

۲. مردان، از آن جهت که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است، و از آن جهت که از مال خود نفقه می‌دهند، بر زنان تسلط دارند. پس زنان شایسته، فرمانبردارند و در غیبت شوی عقیقت و فرمان خدای را نگاه می‌دارند. و آن زنان را که از نافرمانیشان بیم دارید، اندرز دهید و از خوابگاهشان دوری کنید و بزیندشان. اگر فرمانبرداری کردند، از آن پس دیگر راه بیداد پیش مگیرید. و خدا بلندپایه و بزرگ است

۳. اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۴. بند سوم ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر

پرداخت شد، مرد نباید مقدار کمی از آن را نیز بازپس بگیرد^۱. زیرا که مهریه از آثار مالی نکاح است و بر مرد لازم است که آن را به همسر خود بپردازد. در آیه ۴ سوره نساء از مهریه به عنوان صداق یاد شده و صداق همان مهری است که شوهر به همسر خود می‌پردازد. و منظور از نخله، نیز هدیه‌ای است که مرد به صورت رایگان به همسرش می‌پردازد و نسبت به آن بخشش یا هدیه رجوع نمی‌کند. (کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۷، ص ۳۰)

به همین دلیل در آیه ۲۲۹ سوره بقره تأکید شده است که یا زن را به نیکویی حفظ کنید و یا اینکه با احسان طلاق دهید، به این معنا که طلاق وی با احسان همراه باشد و زن را متضرر نکند چه اینکه مجبور کردن او به بخشیدن مهریه کاری ناشایست است.^۲

از آنجا که در مقابل هم بخشش مهریه از سوی زن مستحب می باشد، نیز می‌توان پی برد که اصل در زندگی زناشویی بر پایه گذشت و اخلاقیات است و مسائل حقوقی تنها در زمان بروز اختلاف بین زوجین، قدرت دخالت دارد.

از نظر اخلاقی، مهریه تنها پاسخی به مهر و محبت از سوی مرد بوده و در واقع هدیه‌ای است، که مرد بوسیله آن علاقه و محبت خویش را به همسرش ابراز می‌کند، چه اینکه در واقع با رضایت خویش تمام ثروتش را به همسرش می‌بخشد.

اما از آنجایی که در فقه اسلامی، حق طلاق با مرد است و زن در اصل حقی بر طلاق ندارد، مهریه مانعی بر سر راه مرد جهت به جریان انداختن طلاق بی‌دلیل می‌باشد و به نوعی از طلاقیهای احساسی جلوگیری می‌کند و کاهش چشمگیری در این امر مبعوض دارد.

تعریف مهریه

مهریه در اسلام

اولین حقی که در قرآن برای زن بیان شده است مهریه می باشد، چنانچه در آیه شریفه "وَ أَتَوُا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيًّا"^۳ می‌فرماید:

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شما را حلال نیست که زنان را بر خلاف میلشان به ارث ببرید. و تا قسمتی از آنچه را که به آنها داده‌اید بازپس ستانید بر آنها سخت مگیرید، مگر آنکه مرتکب فحشایی به ثبوت رسیده شده باشند. و با آنان به نیکویی رفتار کنید. و اگر شما را از زنان خوش نیامد، چه بسا چیزها که شما را از آن خوش نمی‌آید در حالی که خدا خیر کثیری در آن نهاده باشد

۲. این طلاق دو بار است و از آن پس یا به نیکو وجهی نگه داشتن اوست یا به نیکو وجهی رها ساختنش. و حلال نیست که از آنچه به زنان داده‌اید چیزی بازستانید مگر آنکه بدانند که حدود خدا را رعایت نمی‌کنند. اما هر گاه دانستید که آن دو حدود خدا را رعایت نمی‌کنند اگر آن، خود را از شوی باز خرد، گناهی بر آن دو نیست. اینها حدود خدا است. از آن تجاوز مکنید که ستمکاران از حدود خدا تجاوز می‌کنند

۳. نساء/۴

"مهر آنان را به طیب خاطر به آنها بدهید. و اگر پاره‌ای از آن را به رضایت به شما بخشیدند بگیرید که خوش و گوارایتان خواهد بود".

تعبیری که در این ایه ذکر شده عبارتند از: ۱- از مهریه به عنوان صدقه نام برده شده، چرا که در روایات نیز مهریه را "صداق" نامیده اند. طبق نظر مفسران از آنجا که صداق از ماده "صدق" می باشد، نشانه صداقت و راستگویی مرد در اظهار علاقه به همسرش است، و گویا این لفظ دارای سابقه ای قبل از اسلام نمی باشد و از اصطلاحات وضع شده در شرع اسلام است.^۱ ۲- اضافه شدن ضمیر مونث به صدقات (صَدَقَاتِهِنَّ)، این مفهوم را می رساند که مالک صداق و مهریه زنان هستند^۲ نه اشخاص دیگر. ۳- به کار رفتن تعبیر نحله برای مهریه، که در لغت به معنای هدیه و پیشکش است و در واقع نحله، هر هدیه ای است که از روی رغبت و اشتیاق کامل و برای ایجاد شیرینی بین دو یا چند نفر بذل می شود، نشان می دهد که هر بخشش و هدیه ای نحله محسوب نمی شود.^۳ آن بخششی نحله نام می گیرد که از روی طیب خاطر و اشتیاق کامل و واقعی، پرداخت شود.

با غور در آیات مرتبط با مهریه می توان دریافت که، ایات نازل شده، تنها بر وجوب پرداخت مهریه تاکید دارند اما در خصوص تعیین میزان مهریه سکوت کرده اند. ولیکن روایاتی در زمینه کم و کیف میزان مهریه وجود دارد:

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَفْضَلُ نِسَاءٍ أُتِيَتْ أَضْبَحَهُنَّ وَجْهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا. بهترین زنان امت من کسانی هستند که مهریه کمتر و یا متوسط تری نسبت به دیگران داشته باشند. (کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ۳۲۴)

۲- نَوَادِرُ الْحِكْمَةِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: لَا تُغَالُوا بِمَهْرِ النِّسَاءِ فَتَكُونَ عَدَاوَةً. اگر مهریه زنان را سنگین قرار دهند، نتیجه اش ایجاد دشمنی است (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۱، ص ۲۵۳) بنابراین مهریه های سنگین، کمکی به بهبود روابط زناشویی نکرده و چه بسا به جای ایجاد محبت و عاطفه بین زوجین، عداوت، دشمنی و از هم گسیختگی زندگی زناشویی را به دنبال داشته باشد.

۳- وَ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ: مَا نَكَحَ رَسُولُ اللَّهِ ص امْرَأَةً مِنْ نِسَائِهِ إِلَّا عَلَى اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أُوقِيَّةً وَ نِصْفِ الْأُوقِيَّةِ مِنْ فِضَّةٍ وَ عَلَى ذَلِكَ أَنْكَحَنِي فَاطِمَةُ ع وَ الْأُوقِيَّةُ أَرْبَعُونَ دِرْهَمًا- قَالَ جَعْفَرُ بْنُ

۱ رجوع شود به تفسیر احسن الحدیث، ۱۳۷۷، سید علی اکبر قرشی، ج ۲، ص ۲۸۱

۲ رجوع شود به تفسیر اثنا عشری، ۱۳۶۳، حسین بن احمد حسینی شاه عبدالعظیمی، ج ۲، ص ۳۵۲

۳ رجوع شود به ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ۱۳۷۷ ش، مترجمان، ج ۱، ص ۵۵۲

مُحَمَّدٌ عَ وَ كَانَتْ الدَّرَاهِمُ يَوْمَئِذٍ وَزَنَ سِتَّةَ قَرَارِيطَ، طبق فرمایش حضرت علی (ع): پیامبر (ص) همسران متعددی داشتند و برای هیچ یک از آن ها بیشتر از پانصد درهم قرار ندادند و بر همین منوال من و فاطمه (س) نیز ازدواج کردیم. (ابن حیون، ۱۳۸۵ هـ.ق، ج ۲، ص ۲۲۱) طبق این روایت، هرچند مهریه زنان در آن دوران، اندک بوده ولی می توان لزوم ذکر مهریه در عقد را از این روایت برداشت نمود.

۴- از حضرت امام رضا (ع) روایت شده است که: فَإِذَا تَزَوَّجْتَ فَاجْهَدْ أَلَّا تُجَاوِزَ مَهْرَهَا مَهْرَ السُّنَّةِ وَ هُوَ خَمْسُمِائَةِ دِرْهَمٍ فَعَلَى ذَلِكَ زَوْجَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ تَزَوَّجَ نِسَاءَهُ، اگر تصمیم گرفتی ازدواج کنی، سعی کن مهریه همسرانت از مهر سنت که پانصد درهم است تجاوز نکند، چرا که پیامبر اکرم (ص) نیز به همین صورت ازدواج خود را منعقد نمودند. (منسوب به امام رضا (ع)، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۲۳۴)^۱

آنچنان که مشاهده شد، در شرع مقدس اسلام، حداقل و حداکثری برای مهریه تعیین نشده است، و تنها بر اصل وجود مهریه تأکید شده است، بنابراین اگر برای زن در زمان عقد مهریه ای تعیین نشده باشد، مهر المثل برای او در نظر گرفته می شود (عاملی بهاء الدین محمدبن حسین، ۱۴۲۹ هـ.ق، ص ۶۴۹). ولیکن می توان اذعان داشت فرمایشات، سفارشات و سیره ائمه (ع) در خصوص رعایت و مراعات کردن در تعیین میزان مهریه، به این دلیل باشد که برای تسهیل در امر ازدواج و زندگی، از مهریه های سنگین و نجومی نهی شده است، تا به طبقات پایین دست جامعه فشاری وارد نشود.

از سوی دیگر، در بعضی روایات ذکر شده است که مهریه نباید کمتر از ده درهم باشد زیرا بعضی از افراد با مبالغ ناچیزی به خود فروشی دست میزدند و شرع مقدس نخواست است که هیچ مرحله ای از این پیوند عاطفی مقدس به ارتباط نامشروع نزدیک شود. (یثربی حاج میر سید محمد، ۱۳۹۰، ۱۳۳) بنابراین، میزان مهریه، باید به مقدار معقول، مشخص شود.

مهر در لغت

مهر به فتح میم، واژه ای است عربی و معادل آن در فارسی "کابین" است. البته واژگان زیر نیز به جای آن بکار می روند: صدقه، صداق، نحله، فریضه، طول و... (دهخدا علی اکبر، ۱۳۳۸، ج ۱۴، ۲۱۸۸۲) ولیکن بین اسامی بالا، آنچه بیشتر به مهریه اطلاق می شود، همان کلمه صداق است.

مهر در اصطلاح حقوقی

اکثر فقهای امامیه، مهر را تعریف ننموده، لیک معتقدند هر چیزی که تملک آن صحیح

۱. همچنین رجوع شود به المقنع، ۹۹ باختلاف الیسیر.

باشد و مالیت داشته باشد، می‌تواند مهریه قرار بگیرد (عاملی شهید اول، ۱۴۱۰ ه.ق، ۱۸۴). و دلیل عدم تعریف دقیق و جامع از آن می‌تواند وضوح و روشنی مفهوم مهریه باشد. همچنین طبق ماده ۱۰۷۸ ق.م.هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد، می‌توان مهر قرار داد.

با اینحال می‌توان مهریه را چنین تعریف کرد: مهریه عبارت از مالی است که شوهر برای نکاح به زن تملیک می‌کند، منتها مالکیت زن بر مهریه، هنگام عقد، به نصف آن متزلزل خواهد بود و در صورتی استقرار پیدا خواهد کرد و زوج ملزم به پرداخت تمام آن خواهد گردید که نزدیکی حاصل شده و یا شرایط دیگری محقق شده باشد.^۱ (کاتوزیان ناصر، ۱۳۸۲، ج ۱، ۱۲)^۲ در تعریف دیگری از مهریه، مهر بر وزن شهر، مال (یا چیزی که قائم مقام مال بوده باشد) معینی است که بر سبیل متعارف، زوج به زوجه در عقد نکاح می‌دهد و یا به نفع زوجه بر ذمه می‌گیرد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۶، ص ۷۰۲)

در هر صورت، مهر در حقوق ایران، عنوان حقوقی مستقلی دارد و جزئی از حقوق و تکالیف زن و شوهر نسبت به یکدیگر است و شارع و قانونگذار با توجه به کمی سهم الارث زن و اختیار مطلق شوهر در طلاق، شوهر را ملزم به پرداخت مالی به زن در موقع نکاح نموده است. (شایگان سید علی، ۱۳۴۵، ۲۶۴)

تعریف اخیر از مهریه، در واقع تعریف نیست بلکه به نوعی فلسفه تشریع مهریه را بیان می‌کند. لذا به نظر میرسد بهترین و کامل ترین تعریف از مهریه متشکل از تعریف جعفری لنگرودی و کاتوزیان می‌باشد چه اینکه گاهی مهریه به صورت عندالمطالبه و گاهی به صورت عندالاستطاعه است و زن به محض عقد مالک آن می‌شود و بر مرد لازم است به محض درخواست و مطالبه زوجه، دین خود را ادا نماید. به عبارتی دیگر، مهریه بر ذمه بر مرد قرار می‌گیرد، و مرد وظیفه دارد ذمه خویش را از دینی که بر عهده گرفته است بری نماید.

مهریه در قانون مدنی

قانون مدنی ایران از ماده ۱۰۷۸ الی ماده ۱۱۰۱ در خصوص مهریه سخن بیان داشته، ولی تعریف دقیقی از آن ارائه نداده و تنها به ذکر موضوع آن پرداخته است، طبق ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی ایران، هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک باشد، را می‌توان به عنوان مهریه قرار داد. گروهی معتقدند که مهر مصدر مَهْرٌ - یُمَهَّرُ است و به معنای عوض می‌باشد، ولی اینکه

۱. بقره/ ۲۳۷

۲. همچنین مراجعه شود به: بغدادی مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، احکام النساء، قم: انتشارات کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره)، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق، ص ۴۶

مهریه را عوض بدانيم صحيح نيست، زيرا مطابق ماده ۱۰۸۲ ق.م.ز.ن به مجرد عقد نکاح مالک مهر می شود، و چنانچه شوهر قبل از دخول همسرش را طلاق دهد، پرداخت نیمی از مهرالمسمی و یا مهرالمثل بر شوهر الزامی است و نیز نکاح بدون مهریه صحيح است برخلاف بيع بدون ثمن، که باطل است.

فلسفه تشريع مهریه

آنچه واضح و مبرهن است، هر حکمی در اسلام بر اساس دليل خاصی وضع شده است که گاه ممکن است آن دليل از ما پوشيده باشد زيرا شارع مقدس بدون در نظر گرفتن مصلحت اقدام به صدور حکمی نمی نماید. پرداخت مهریه نیز مستثني از اين امر نيست و به صورت حتم و قطع دارای فلسفه، دليل و برهان خاص خود می باشد. در خصوص فلسفه پرداخت مهریه به زن از سوی مرد، اتفاق نظر وجود ندارد و نظرات مختلفی وجود دارد که عبارتند از:

۱. مهریه به عنوان عوض در برابر بضع: گروهی از فقها بر اين اعتقادند که مهریه در مقابل بضع قرار می گیرد.

بنابراین نکاح معاوضه‌ای است که در آن، زن برای دریافت عوض (صداق) حق امتنان دارد که از آن به حق حبس تعبیر شده است (جواهرالکلام، ج ۳۱، ص ۳).

بر اين اساس مهریه در نکاح به مثابه عوض در بيع و معاوضات است، اما اين نظر صحيح نيست زيرا در معاوضات، عوض جزء ذات بيع و معاوضه است و در واقع معاوضه بدون عوض، محکوم به بطلان است ولی در عقد نکاح دائم، عقد بدون مهریه نیز صحيح است. فلذا نظر برخی از فقهای اماميه که معتقدند: "نکاح از عقود معاوضی است زیرا که بضع دارای مالکیت بوده و با مهر معاوضه می شود" (عاملی، شهيد ثانی، زين الدین بن علی - ۱۴۱۳ ه. ق. ج ۱، ص ۵۳۳) نیز قابل قبول نيست زیرا که اولاً استمتاع جنبه دو سويه دارد و اختصاص به زوج ندارد تا در قالب مهریه‌های آن را بپردازد. (فهيمة ملک زاده، ۱۳۸۸ ص ۳۵)

ثانیاً گاهی اوقات مهر به زن تعلق می گیرد و اين در حالی است که نزدیکی صورت نگرفته است مانند طلاق قبل از نزدیکی، که در اين مورد زن، مالک نیمی از مهرالمسمی می شود. و ثالثاً اگر مهریه به عنوان عوض بضع باشد باید در صورت فسخ یا بطلان مهر، عقد نکاح منحل شود، اين در حالی است که بطلان مهر به عقد سرایت نمی کند و عقد بواسطه باطل بودن مهریه باطل نمی شود. (شريف مرتضی، علی بن حسين موسوی، ۱۴۰۵ ه. ق. ج ۱، ص ۲۳۱)^۱

۲. مهریه، هديه‌ای از سوی مرد به زن است: گروهی دیگر از فقها بر اساس آیه ۴ سوره

۱. مراجعه شود به محمومی امامی نمینی - ماهیت مهر و نقد مهریه‌های سنگین، مقالات و بررسی‌ها،

نساء^۱ مهریه را هبه و بخششی از سوی مرد به زن می‌دانند و معتقدند مهریه، یک سنت اسلامی و الهی است و شوهر، برای بیان صدق رفتارش به زن می‌پردازد و در مقابل عوض نیست. (قربان‌نیا، ناصر و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۶)

طبق نظر شهید مطهری، مهر عطیه بلاعوضی است که مرد در جریان تعاملی، به جهات و دلایل متعددی ملزم به پرداخت آن شده است و بیشتر از ارزش مادی، ارزش نمادین آن، در این عقد مورد توجه طرفین خصوصاً زن است. که آثار خاصی نیز بر این اعطا مترتب است که برآیند آن، استحکام هرچه بیشتر علقه زوجیت به عنوان یک ضرورت فردی و اجتماعی است. (مطهری مرتضی، ۱۳۹۵، صص ۱۸۴ و ۲۲۵)

ولی این نظریه نیز با ایراداتی مواجه است من جمله اینکه: اگر مهریه را عطیه و پیشکش بدانیم باید پرداخت آن بر اساس اراده و خواست مرد باشد، در حالیکه پرداخت مهریه، دستور شرعی است و از سوی شارع لازم شمرده شده است و در واقع ناشی از حکم شارع می‌باشد. از سویی دیگر، در هدیه هیچ الزامی بر هبه کننده مبنی بر پرداخت آن وجود ندارد، لیکن در خصوص مهریه، زن می‌تواند برای وصول مهریه خود به ضمانت اجراهای حقوقی همچون حق حبس و رجوع به حاکم، متوسل گردد.

ایراد دیگر در این زمینه، در زمان نزدیکی پس از نکاح فاسد نمایان می‌شود، در صورتی که زن نسبت به فساد نکاح جاهل بوده و مرد به آن آگاهی داشته باشد، زوج مکلف است تمام مهریه را به زن بپردازد، این در حالی است که مرد قصدی بر پرداخت مهریه نداشته است. بنابراین، این نظریه نیز توجیهی مناسب و درخور، جهت لزوم پرداخت مهریه نمی‌باشد.^۲

۳. مهریه مکمل سهم الارث زنان است، طبق این نظر، برخی معتقدند مهری که از جانب مرد به زن داده می‌شود می‌تواند تدبیر مناسبی جهت جبران نقصان سهم الارث زن باشد. (حسن یوسف‌زاده، جامعه شناختی مهریه، ۱۳۸۹، ص ۱۴۴)

اتفاقاً، در برخی از روایات نیز علت دو برابر بودن سهم الارث مرد نسبت به زن، همین امر ذکر شده است که مرد باید به هنگام ازدواج، مالی به عنوان مهریه به زن بدهد و نیز در دوران زناشویی، مکلف است نفقه و مخارج زن را تأمین کند. (حسین مهرپور، ۱۳۷۹، ۴۲)^۳

در صورتی که این نظریه را بپذیریم، اگر منظور از نقصان ارثیه زن، نقصان سهم الارث او

۱. وَاَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوْهُ هَبْنَا مَرِئًا

۲. مراجعه شود به پایان نامه محمدشاه علی، بررسی تحولات و نوآوری‌های لایحه جدید حمایت خانواده، کارشناسی

ارشد، حقوق خصوصی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، بهمن ۱۳۹۱

۳. مراجعه شود به: طوسی ابو جعفر محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه.ق، چاپ چهارم،

ج ۹، ص ۲۷۴، ش ۹۹۲

نسبت با سایر خویشان نسبی باشد، چگونه می‌توان این، امر را توجیه نمود که نقصان ارث او از خویشان، بر شوهر است و درواقع سایر خویشاوندان وی و اموال آنها هستند که از این نقصان بهره می‌برد؟ بنابراین آنها باید بر اساس قاعده "من له الغنم فعليه الغرم" این نقصان را جبران کنند و اگر هم منظور از نقصان ارث زن، در مقایسه با ارث شوهر باشد، از کجا می‌توان یقین دانست که زن زودتر از مرد از دنیا نرود که نوبت به ارث او از شوهر برسد، ثانیاً اگر قانونگذار به دنبال جبران این نقصان است، بهتر است که قواعد ارث را اصلاح نماید، نه اینکه خود را دچار این مشکلات کند. نیز راجع به دخترانی که ازدواج نمی‌کنند چگونه کمبود ارث آنها جبران می‌شود؟ (محمد رضا امیر محمدی، ۱۳۸۸، ۴۸)

۴. مهریه وسیله‌ای برای تضمین دوام زوجیت: برخی معتقدند؛ با وجود اینکه عقد نکاح با تراضی طرفین صورت می‌پذیرد ولی انحلال آن یکسویه و بصورت اقاله از سوی زوج اجرا می‌شود. و از آنجا که عقد نکاح، همواره در معرض فروپاشی قرارداد، علی‌الخصوص که هیچ قانونی برای تحدید و کنترل اراده مرد وجود ندارد. بر همین اساس، وضع مهریه و الزام مرد به پرداخت مهریه، به زن این امکان را می‌دهد که برخی از مطالباتش را بر زوج تحمیل کند، تا مرد در روابط خانوادگی به صورت یکجانبه و انفعالانه عمل نکند، چند این توجیه نیز پذیرفته شده نیست، زیرا اگر صحیح باشد و این امر ضروری باشد چگونه در آموزه‌های دینی بر کم گرفتن مهریه، توصیه اکید شده است! در صورت صحت این نظر، باد در روایات وارده، به این امر تصریح می‌شد و یا اینکه حداقل از دریافت مهریه‌های سنگین، نهی واقع نمی‌شد.

و از سوی دیگر بر اساس تحقیقات صورت گرفته، آمار طلاق روبه افزایش است؛ در حالیکه روند افزایش مهریه‌ها نیز در جامعه امروزی بسیار زیاد است. علاوه بر این، تحقیقات، حاکی از آن است که هشتاد درصد طلاقها بصورت بائن واقع می‌شود، یعنی زنان مهر خود را در این گونه طلاقها می‌بخشند. بنابراین مهریه سنگین زنان نتوانسته است، جهت تضمین زندگیشان کار ساز واقع شود. (قلی‌زاده اذر و سحر غفاریان، ۱۳۹۰ ص ۱۲۸)

۵. مهریه پشتوانه اقتصادی برای زنان: دین اسلام با تشریع احکام خاصی مانند مهریه و نفقه و... جامعه زنان را از لحاظ مادی تأمین کرده و نگرانی در خصوص معاش را تا حد بسیاری از آنان دور کرده است، تا بتوانند با آسودگی خاطر به وظیفه اساسی و خطیر انسان‌سازی خود بپردازند. زنان در جامعه اسلامی چونان مردان، اجازه فعالیت اقتصادی دارند و مانعی در این زمینه، سد راه آنان نیست، چنانچه خدیجه کبری (س) نیز از ستون‌های اقتصادی جامعه صدر اسلام محسوب می‌شدند، ولی با این وجود مهمترین وظایف زنان، حضور فعال آنها به عنوان مدیر

۱. رجوع شود به: اسدالله علیمردانی، بازشناسی قواعد حقوقی و اخلاقی حاکم بر مهریه و حقوق اسلامی، ش ۱۶،

داخلی خانواده در خانه می‌باشد.

فلذا اسلام با واجب کردن مهریه بر عهده مرد، راهی محکم در جهت تأمین پشتوانه مالی زوجه، فراهم کرده است، تا در صورتی که در زمان زناشویی و یا در هنگام طلاق مشکلات مالی بر وی عارض شد (که قطعاً به وجود خواهد آمد) به مهریه خود دسترسی پیدا کرده و بتواند امورات خود را در جامعه بچرخاند و از این پشتوانه اقتصادی بهره لازم را گیرد. (ثریا مکنون و مریم صانع‌پور، ۱۳۷۴، ص ۱۶۰)

نظریه دیگر این است که با توجه به اینکه زن، حق تحصیل ثروت در اسلام را دارد ولی دین اسلام، مرد را مکلف به تأمین معاش نموده و در مقابل، زن مجبور به انجام امور داخلی خانه نیست بلکه انجام دادن این امور مستحبی از بزرگواری زن می‌باشد. مهریه پرداختی مرد به زن، در واقع به نوعی جبران کننده ناشی از خلأ فعالیت اقتصادی زن است.

ایرادی که در نظریه قبلی بود در این نظر نیز وجود دارد که بسیاری از زنان مهریه‌های خود را در زمان طلاق و یا قبل از آن می‌بخشند و یا اینکه برای دریافت طلاق، رضایت به بخشش تمام مهریه خود و یا قسمت اعظمی از آن می‌دهند، فلذا تنها پشتوانه این چنین زمانی، فعالیت اقتصادی خود و یا خانواده پدریشان می‌باشد.

بر اساس نظریات بالا، می‌توان نتیجه گرفت، که هر چند نظریات ذکر شده کامل نیستند و بر هر کدام ایراداتی وارد است ولی هر یک، به نوبه‌ی خود در بردارنده حقایقی هستند. گو اینکه فلسفه وجودی مهریه، ریشه‌ای تاریخی دارد و مشخص نیست اولین بار چه کسی و به چه صورت و منظوری آن را ایجاد کرده است. اما آنچه مسلم است، این نهاد در طول تاریخ، تحولات بسیاری پیدا کرده، تا اینکه با ظهور اسلام، این نهاد حقوقی، مانند بسیاری از نهادهای حقوقی دیگر آن زمان، با اصلاحاتی تنفیذ شده است، فلذا نهاد مزبور، جزء احکام امضائی اسلام است و نه تأسیسی. (امیر محمدی، محمدرضا، ۱۳۸۸، ص ۵۰)

در حال حاضر، بدون توجه به فلسفه‌ی وجودی مهریه، این نهاد با باورها و عقاید، در ساختار اجتماعی و نظام حقوقی ما پیوند خورده، ولیکن آنچه مهم می‌نماید، این است که مهریه بصورت کنترل شده درآید، تا بتواند مفید و مثمر ثمر واقع شود و اگر همچنان بی‌حد و حصر بصورت کاملاً مطلق العنان رها شود، مشکلات عدیده‌ای گریبانگیر جامعه خواهد شد.

موضع لایحه حمایت خانواده مصوب قوه مجریه در مقایسه با قانون حمایت خانواده جدید التصویب در خصوص مهریه

بر اساس مشکلات و معضلات پیش آمده در خصوص افزایش مهریه‌های سنگینی که در جامعه بوجود آمده بود، در راستای اقدام به رفع این مشکلات یا تعدیل وضعیت پیشنهاد شده است که به مهریه‌های سنگین و بالاتر از مهرالمثل، مالیات سنگینی تعلق بگیرد و یا اینکه از شمول قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مستثنی شود. (گرچی ابوالقاسم، ۱۳۸۷، ص ۲۵۹-

بر این مبنا ابتدا در ماده ۲۵ لایحه حمایت خانواده مصوب قوه مجریه، مالیات بر مهریه ذکر شد و سپس در لایحه جدید حمایت خانواده مصوب مجلس شورای اسلامی، با توجه به مشکلات و احیاناً نواقص طرح مالیات بر مهریه، بحث استثناء کردن مهریه‌های سنگین و غیر متعارف از شمول قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی تصویب شد، و از سوی شورای نگهبان مخالفتی در این زمینه صادر نگردید.

موضع قانونی حمایت خانواده ۱۳۹۱

طبق ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده جدید: "هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات م ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی^۱ است، چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج، ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه‌ی مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است."

این طرح نیز چونان طرح سابق دارای ایرادات فراوانی است: ۱ اگر مهریه‌ای بالای ۱۱۰ سکه باشد، بار اثبات تمکن مالی زوج، بر عهده زوجه است. اگرچه این ماده، برای حمایت از خانواده وضع شده، اما بانوان جامعه را به شدت از این ماده متنفر می‌نماید، این در حالی است که بر اساس قواعد عمومی قراردادهای، با صرف اثبات ایجاد تعهد نسبت به متعهد علیه، می‌توان درخواست اجبار وی به انجام و ایفای تعهد را ارائه داد. بنابراین، این ماده نیز همچون طرح قبلی، مخالف قواعد عمومی قراردادهای تنظیم یافته است.

۳- نمایندگان مجلس پس از ایراد وارد بر چگونگی تعیین مهریه متعارف و عملی نبودن آن، تصمیم گرفتند که خود، میزان آن را تعیین کنند که بر اساس ماده مذکور، به میزان ۱۱۰ سکه یا معادل آن می‌باشد، آنچه از این ماده برداشت می‌شود این است که علت نگارش آن، جلوگیری حبس زوج به علت نپرداختن مهریه است. ولی این مطلب در نظر گرفته نشده که غالباً جوانانی که قصد ازدواج دارند از تمکن مالی بی‌بهره هستند و حتی مخارج اولیه تشکیل زندگی را بصورت تقسیط یا کمک از والدین و اخذ وام تهیه می‌کنند، بنابراین قدرت بر پرداخت حتی مبالغ کمتر را نیز ندارند و بر اساس گزارشات و تحقیقات عموماً زمان اوج طلاق مابین سال‌های ۳ و ۵ بعد از

۱. م ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی: هر کس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود چه به صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن و یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه آن را تأدیه ننماید دادگاه او را الزام به تأدیه نموده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفا می‌نماید و در غیر اینصورت بنا به تقاضای محکوم له، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تأدیه حبس خواهد کرد.

ازدواج است.^۱ و زمان مطالبه مهریه نیز در همین حدود بوده و در سالهای اولیه ازدواج حتی اگر زوج توانسته باشد بدهی‌های پیشین خود را کاملاً پرداخت کرده باشد، از پس پرداخت ۱۱۰ سکه برنخواهد آمد، فلذا خارج کردن مردان از شمول ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در خصوص میزان بیشتر از ۱۱۰ سکه مهریه یا معادل آن تفاوتی در وضعیتشان به دنبال ندارد.

۳. بر اساس م ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی می‌توان چنین برداشت کرد که بازداشت و حبس مختص بدهکارانی است که با وجود تمکن مالی از ادای دین امتناع می‌ورزند، اما برای افرادی که حقیقتاً از پرداخت آن عاجز هستند، چنین ضمانت اجرائی در نظر گرفته نشده است. چرا که یکی از شرایط اعمال مجازات حبس، طی این ماده، ملائت و تمکن مالی بدهکار است چنانچه در نص صریح ماده آمده است: "ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تأدیه حبس خواهد کرد." به همین دلیل در مواد ۱۷ و ۱۸ آیین نامه این قانون اجازه داده شده است تا مدیون با اثبات اعسار خود، از پرداخت دین، معاف شده و یا با تقسیط آن از بازداشت آزاد گردد. (محمدرضا زندی ۱۳۹۰-ص ۶)

طبق بخشنامه ای^۲ که از سوی رئیس قوه قضائیه به دادگاههای سراسر کشور ابلاغ شده است، چنانچه ملائت محکوم علیه نزد قاضی ثابت نباشد، از حبس وی خودداری و چنانچه در حبس باشد آزاد می‌شود. (اسدی الهام، ۱۳۹۲، ص ۳۳۳) بنابراین در صورتی که برای قاضی ثابت شود محکوم علیه از تمکن مالی برخوردار است و از پرداخت محکوم به امتناع می‌کند، با درخواست محکوم له و به دستور قاضی دادگاه، محکوم علیه تا تأدیه محکوم به، حبس می‌شود. نتیجتاً، این ماده برای افرادی که قادر به پرداخت مهریه نیستند، کافی نمی‌باشد.

۴. ابهامی که متوجه ماده مورد بحث است این است که آیا ماده مذکور مشمول افرادی که تا پیش از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این لایحه ازدواج کرده‌اند، نیز می‌شود؟

طبق یک نظر، با توجه به اینکه، این ماده درصدد محدود کردن حبس زوج است و یکی از موارد عطف به ماسبق شدن قوانین، تخفیف مجازات در قوانین جدید است، فلذا این ماده عطف به ماسبق می‌شود. (مریم، خباز، ۱۳۹۱، ص ۱۷)

ولی از نظر گروهی بحث مربوط به تخفیف مجازات در قوانین جدید و عطف به ماسبق شدن آن، مرتبط به مقررات و قوانین کیفری است، و ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، جزء قوانین کیفری محسوب نمی‌شود و بازداشت بدهکاران بدنبال ارتکاب جرم، صورت نمی‌گیرد تا عطف به ماسبق شود. چرا که اگر کسی مرتکب جرمی شد و در پی آن محکوم به

۱. رجوع شود به میرزایی، محمد، نگاهی به آمار طلاق در ایران، ۱۳۹۱/۸/۲۰ سایت: <http://vista.ir/article/228381>

۲. بخشنامه شماره ۱۰۰ / ۱۵۴۵۸ / ۹۰۰۰ مورخ ۹۱/۴/۱۳

جزای نقدی گشت و این جریمه را پرداخت ننمود، به ازای هر روز از حبس، مبلغی از میزان محکومیت مجرم، کاسته می‌شود. اما در خصوص حبس ناشی از عدم پرداخت محکومیت مالی، این قاعده ساری و جاری نیست و محکوم علیه تا زمان پرداخت بدهی و یا صدور حکم اعسار باید در حبس باقی بماند. فلذا طبق م ۴ قانون مدنی: "اثر ماده نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد، مگر اینکه در خود قانون، مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد." بنابراین ماده مورد بحث تنها نسبت به کسانی است که پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون ازدواج کنند، موثر است. اما از آنجا که آثار غیرمستقیم و احتمالی موضوعات حقوقی به گذشته، تابع قانون جدید است، و فقط احتمال تحقیق این نتایج می‌رفته، لذا حق ثابتی ایجاد نشده است تا قانون جدید آن را از بین ببرد. (ناصر کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۲۱۸)

در نهایت می‌توان گفت، حق مطالبه زوجه، جهت به زندان انداختن زوج ممتنع از پرداخت دین، جزء آثار احتمالی و غیرمستقیم قرار داد مهریه می‌باشد و زمانیکه از سوی زوجه، مهریه‌ای مطالبه نشده، این حق بصورت احتمالی است و هنوز حق درخواست حبس زوج مستقر نشده، تا آن را مشمول قاعده حقوق مکتوبه بدانیم و ماده ۲ قانون را با توجه به قاعده مذکور نسبت به طلبکاران گذشته قابل اجرا ندانیم. بنابراین، با توجه به اینکه عده‌ای معتقدند ماده مورد نظر عطف به ماسبق می‌شود، بهتر بود قانونگذار صراحتاً نظر خویش را بیان می‌نمود تا تفاسیر متعددی از این ماده حاصل نشود.

با توجه به ایرادات فراوانی که نسبت به ماده مذکور وارد شده است، و با در نظر گرفتن معضلاتی که بانوان جامعه در راستای عملی شدن این ماده، با آن روبرو هستند و در نظر گرفتن اعسار به عنوان یک اصل فقهی و حقوقی که حق بارزی برای فرد معسر محسوب می‌شود، به نظر می‌رسد بهتر است در تفسیر این ماده قانونی، راهکارهایی جدید ارائه شود تا بانوان جامعه با آسودگی خاطر بیشتری اقدام به دریافت مهریه خود بنمایند. یکی از این راهکارها می‌تواند استفاده از اصل ضمانت باشد.

ضمانت

ضمانت در فقه اسلامی

ضمان از عقود می‌باشد و طبق نظر شهید ثانی در کتاب الروضة البهیة: مقصود از ضمان، معنای خاص آن است که قسیم حواله و کفالت است، نه معنای عام آن که این دو را شامل می‌شود. و ضمان به صورت بی مدت و مدت دار از بدهی بی مدت و مدت دار، صحیح است. به عبارت دیگر ضمان، تعهد و التزام به مال است، از طرف کسی که برئ الذمه است، ضمان، مال را از ذمه مضمون عنه (بدهکار) به ذمه ضامن که بدهکاری ندارد، منتقل می‌کند (فیض علیرضا، ۱۳۸۷، ۳۴۵). به بیانی دیگر، برعهده گرفتن مالی که بر ذمه دیگری است، توسط کسیکه بدهکار نیست را ضمان گویند، نیز باید در نظر داشت که ضمانت حال و موجل هر دو صحیح است.

(دزفولی، مرتضی بن امین انصاری، ۱۴۲۱ ه.ق، ۹۶)

ضمانت در قرآن

در بین آیات قرآن در خصوص ضمانت می‌توان به آیات ۷۲ سوره یوسف^۱ و ۴۰ سوره قلم^۲ اشاره کرد که اشاره ای گذرا نسبت به ضمانت دارند ولی تعریف ضمانت در قرآن با تعریفی که ما در حقوق ارائه می‌دهیم بسیار متفاوت است و چه بسا کارکرد آن دو نیز مختلف باشد. ضمانت در آیه ۴۰ سوره قلم، اختصاص به ضمانت در روز قیامت دارد و مختص امور معنوی و اخروی است ولی در خصوص ضمانت در مورد مسائل مادی و دنیوی سکوت کرده است.^۳

اما با تدقیق در آیه ۷۲ سوره یوسف، احتمالی یافت می‌شود که خیلی هم بعید نیست، و آن اینکه گوینده "نَفَقْتُ صَوَاعَ الْمَلِكِ" کارمندان یوسف، و گوینده "وَلَمَنْ جَاءَ بِهِ جُمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ" خود یوسف باشد، چون رئیس و سرپرست مردم خود او بوده، و او بوده که اعطاء و منع و ضمانت و کفالت و حکم، شان او بوده.

بنا بر این برگشت معنای کلام به این می‌شود که: مثلاً بگوییم یوسف و کارمندان از ایشان جواب دادند، کارمندان گفته‌اند: "ما پیمانۀ پادشاه را گم کرده‌ایم"، و یوسف گفت: هر که آن را بیاورد یک بار شتر (طعام) به او می‌دهیم و من خود ضامن این قرارداد می‌شوم. (موسوی همدانی سید باقر، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ۳۰۵)

چنانچه مشاهده شد، ضمانت در قرآن کریم نیز امری پذیرفته شده است.

ضمانت در روایات

علاوه بر آیات وارده در خصوص ضمانت و نیکویی آن، روایاتی نیز ذکر شده که منجر به بری شدن ذمه مدیون اصلی می‌شود. به صورتی که در فقه و سیره بزرگان نیز امر ضمانت به عنوان فعلی پسندیده مورد توجه بوده است.

۱. حسن بن محبوب، از عبد الله بن سنان، از امام صادق علیه السلام در بارۀ مردی روایت کرده است که در حالی بمیرد که دینی بر ذمه داشته باشد، ولی ضامنی در مقابل طلبکاران از او ضمانت کند. امام علیه السلام فرمود: در صورتی که طلبکاران راضی باشند، ذمه میت بری شده است. (قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ج ۶، ص ۸۰)

۲. روایت است که چون عبد الله بن الحسن (عبد الله محض) عمرش به سرآمد در حال احتضار و جان دادن، طلبکارانش گرد او را گرفته مطالبۀ طلب خود را می‌کردند، عبد الله گفت

۱. گفتند: جام پادشاه را. و هر که بیاوردش او را بار شتری است و من ضمانت می‌کنم

۲. از ایشان بپرس کدام یکشان ضامن چنین پیمانی است؟

۳. برای مطالعه تفسیر آیه رجوع شود به تفسیر انوار درخشان از سید مہمدحسین حسینی همدانی، ج ۱۷، ص ۲۹

چیزی ندارم که به شما بدهم و لکن یکی از این دو را به عنوان ضامن بپذیرید، برادرم یا پسران عمویم علی بن الحسین یا عبد الله بن جعفر، طلبکاران گفتند: عبد الله بن جعفر مردی است ثروتمند اما سهل انگار و بی توجه و امروز را به فردا می افکند، ولی علی بن الحسین مردیست تهیدست لکن صحیح القول و او برای ما بهتر است، پس فرستاد و آن حضرت علیه السلام را خبر دادند، و امام فرمود: تا برداشت غله مهلت دهید می پردازم، در حالی که غله ای نداشت، طلبکاران گفتند: راضی هستیم، پس زمانی که غله رسید خداوند مالی برای آن حضرت رسانید و آن حضرت دیون عبد الله را پرداخت. (این نوعی ضمانت است). (قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه ۶ جلد ۴، بی تا، ۱۲۴)

ضمانت در حقوق ایران

لفظ ضمان در معانی ذیل استعمال شده است: الف) ذمه و عهده و تعهد و متعهد. ب) به معنای حواله که شامل عقد ضمان و کفالت می شود. ج) به معنای عقد ضمان. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ص ۴۵۷)

در حقوق ایران، عقد ضمان، عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد. متعهد را ضامن، طرف دیگر را مضمون له و شخص ثالث را مضمون عنه یا مدیون اصلی گویند.^۱

ضمان، خود شامل انواع و اقسام مختلفی می شود، که هر یک اثر حقوقی خاص خود را دارد:

انواع ضمانت

ضمان ناقل ذمه: در این نوع ضمانت با وقوع ضمانت ضامن، بدهکار در مقابل طلبکار از مسئولیت مبرا می شود. در حالی که قانون مدنی، توجه ویژه ای به این نوع ضمانت داشته است، امروزه این نوع عقد نزد عموم مردم متروک است.

ضمان ضم ذمه (تضامنی): این نوع ضمانت به معنی بدهکار شدن شخص دوم علاوه بر مدیون اصلی است. در این خصوص، حداقل دو تن در مقابل طلبکار مسئول هستند که این نوع ضمانت نیز خود بر دو نوع است:

الف) ضمان تضامنی طولی: در این نوع ضمانت، مسئولیت ضامن محرز، اما مشروط است به این معنی که اجرای عقد ضمانت منوط به وصول نشدن طلب از بدهکار است. به عبارت دیگر، طلبکار باید اول به مدیون اصلی مراجعه کند و در صورتی که با وجود صدور حکم قطعی قضایی علیه وی، دین پرداخت نشده باشد، علیه ضامن اقامه دعوی شود.

ب) ضمان تضامنی عرضی: در این نوع ضمانت، مسئولیت ضامن و مدیون اصلی همزمان

است و طلبکار به هر یک از آنان می‌تواند مراجعه کند و رعایت تقدم یا تاخر در مطالبه دین لازم نیست. ضمانتی که مورد نظر بانک‌ها و موسسات مالی است، ضمان تضامنی عرضی است. به عبارت بهتر، این ضمانت، قوی‌ترین نوع ضمانت است و منافع حداکثری بستانکار تامین می‌شود و ضامن هیچ گونه بهانه‌ای برای تعلل در ادای دین بدهکار اصلی نخواهد داشت. نکته بسیار مهم آن که حسب حکم صریح ماده ۲۴۹ قانون تجارت، هر نوع ضمانت در اسناد تجاری مشمول احکام ضمان تضامنی عرضی است.^۱

آنچه در مورد مهریه تقسیط شده می‌تواند به عنوان ضمانت واقع شود و مطابق با اخلاق حسنه می‌باشد، ضمان احتیاطی می‌باشد که اگر متعهد (زوج)، اقساط مهریه را سر موعد پرداخت نکند و زن را با مشکلات عدیده مواجه کند، زن بتواند از طریق ضمان طولی تضامنی به ضامن مراجعه کرده و حق خود را دریافت نماید. و چه بهتر است کسی که ضمانت را به عهده می‌گیرد از شهود اعسار باشد، چرا که در صورت وجود ضمانت، فرد مدعی اعسار تمام تلاش خود را می‌کند تا حداقل برای مصون نگاه داشتن وجهه خود، دین خود را در موعد مقرر پرداخت نماید و از سوی دیگر، شاهی که ضمانت را به عهده می‌گیرد، با این عمل خود، در واقع به زوجه این اطمینان را می‌دهد که او قطعا به حق خود خواهد رسید، و نیز کسیکه مجبور به ضمانت است در صورتی که اطمینان کامل نسبت به معسر بودن مدعی نداشته باشد و از حال و روز مدعی اعسار به صورت قطعی و یقینی آگاه نباشد، اقدام به ادای شهادت نخواهد کرد. و این امر خود، باعث جلوگیری از ادای بسیاری از شهادت‌های از روی جهل و یا کذب خواهد شد. و در نهایت اصل ۲۱ و ۲۲ قانون اساسی در خصوص حقوق زن و حقوق ملت، تماما و کمالا در خصوص دعاوی مالی، به حیطه اجرا خواهد آمد، زیرا با توجه به قوانین جدید قانون حمایت خانواده در زمینه اعسار، تنها در صورت وجود ضمانت است که زنان با آسایش به حقوق خود دست خواهند یافت.

۱. آرش دولتشاهی، وکیل پایه یک دادگستری

<http://press.jamejamonline.ir/Newspreview/2144308366115495417>

۲. دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

(۱) ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

(۲) حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست.

(۳) ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

(۴) ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست

(۵) اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی

۳. حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

نتیجه گیری

ازدواج و تشکیل خانواده یکی از دستورات دین مبین اسلام است که توسط دو غیر همجنس ایجاد می شود، از مهمترین اهداف این نهاد، رسیدن به تعالی روحی و اخلاقی است. و دستورات اسلامی در تمام احوال در خصوص خانواده مبتنی بر رعایت اخلاق می باشد.

مهریه به عنوان یکی از آثار مالی ازدواج که بر عهده زوج ثابت است و در واقع به عنوان هدیه و پیشکش و نشان دهنده عشق و علاقه زوج نسبت به همسرش می باشد، بصورت پشتوانه ای مالی برای زن، پس از طلاق و یا فوت شوهر معرفی شده است.

آنچه در حقوق کنونی و در دادگاههای امروزی مورد مشاهده است این است که پس از طلاق مهریه عندالمطالبه زوج به صورت تقسیط درآمده است و این تقسیط مهریه با اینکه تا حد بسیاری کمک به وضعیت مردان جامعه نموده است ولی در عمل آنچه مشاهده می شود، از آنجا که تقسیط بدون هیچ ضمانتی و ابتدائاً می باشد اینکه آیا زوجه بتواند اقساط را در موعد مقرر دریافت کند را با مشکلات عدیده ای روبرو کرده است چه اینکه مرد می تواند برای آزار رساندن به همسر خود و در نهایت بخشش مهریه توسط زن از پرداخت اقساط ممانعت کند و در نهایت با مراجعه مکرر زن به دادگاه و درخواست جلب، اقدام به جلب زوج مدیون کند و در این راستا باید دید آیا زن می تواند حق خود را دریافت کند یا نه؟ که در بیشتر موارد مرد متواری شده و زن نمی تواند وی را جلب کند.

مهریه در جامعه امروزی از یک هدیه و پیشکش به یک ابزار جنگ مبدل شده که در نهایت اکثر زنان با اینچنین وضعیتی و مواجه شدن با سدهای مختلف و عدم توان دریافت آن، از آن چشم پوشی می کنند.

و آیا این معضل با عدالت و اخلاق اسلامی سازگار است؟ جز آنکه در اسلام از ضرر رساندن به دیگران نهی شده است و تقسیط به اینگونه جز ضرر رساندن به زن حاصلی ندارد.

فلذا بهتر می نماید قانونگذار مبحث ضمانت را در خصوص تقسیط مهریه باز بگذارد و آن را به شرایط تقسیط اضافه کند تا مرد ملزم به پرداخت اقساط مهریه در موعد مقرر شود، چرا که قانونگذار به وسیله ضمانت راهی را برای دریافت حقوق از دست رفته بسیاری از بانوان کشور، باز می نماید.

فهرست منابع

- قرآن کریم
اعلامیه جهانی حقوق بشر
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
قانون مدنی ایران
قانون حمایت خانواده
- ۱- ابن حیون نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ ه.ق)، دعائم الاسلام فی ذکر الحلال و الحرام، قم، موسسه آل البيت (ع)، ج ۲
 - ۲- امیرمحمدی محمدرضا، (۱۳۸۸)، حقوق مدنی نظام مالی خانواده، چاپ اول، تهران: نشر میزان
 - ۳- انصاری دزفولی، مرتضی بن امین، (۱۴۲۱ ه.ق) صیغ العقود و الایقات شیخ انصاری، قم: مجمع اندیشه اسلامی.
 - ۴- بغدادی مفید، محمدبن محمدبن نعمان عکبری، (۱۴۱۳ ه.ق)، احکام النساء، چاپ اول، قم: انتشارات کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره)
 - ۵- جعفری لنگرودی محمدجعفر، (۱۳۴۶)، ترمینولوژی حقوق، انتشارات ابن سینا
 - ۶- حسینی شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد، (۱۳۶۳)، تفسیر اثنا عشری، چاپ اول، تهران: میقات، ج ۲
 - ۷- حسینی همدانی سید محمد حسین، (۱۴۰۴ ه.ق)، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی
 - ۸- حلی محقق نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۸)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲، قم: موسسه اسماعیلیان
 - ۹- دهخدا علی اکبر، (۱۳۳۸)، لغت نامه، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱۴
 - ۱۰- شایگان سیدعلی، (۱۳۴۵)، حقوق مدنی، چاپ اول، قم: انتشارات طه
 - ۱۱- شریف مرتضی علی بن حسین موسوی، (۱۴۰۵ ه.ق)، رسائل الشریف المرتضی، چاپ اول، قم: دارالقرآن الکریم، ج ۱
 - ۱۲- طوسی ابو جعفر محمدبن حسن، (۱۴۰۷ ه.ق) تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ج ۹، ص ۲۷۴، ش ۹۹۲
 - ۱۳- عاملی بهاء الدین محمد بن حسین و ساوجی نظام الدین بن حسین، بی تا، جامع عباسی و تکمیل آن، محقق: علی محلاتی حائری، چاپ اول، تهران: موسسه منشورات الفراهانی
 - ۱۴- عاملی شهید اول محمد بن مکی، (۱۴۱۰)، اللمعة الدمشقیة فی فقه الامامیه، چاپ اول، بیروت، دار التراث، دارالاسلامیه

- ۱۵- عاملی شهيد ثاني زين الدين بن علی، (۱۴۱۳ ه.ق)، مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين قم، ج ۱
- ۱۶- عاملی شهيد ثاني زين الدين بن علی، (۱۴۱۳ ه.ق)، مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين قم، ج ۱
- ۱۷- علی بن موسی الرضا (ع)، (۱۴۰۶ ه.ق)، فقه الرضا، محقق: موسسه آل البيت عليهم السلام در قم، چاپ اول، مشهد: موسسه آل البيت عليهم السلام
- ۱۸- فیض علیرضا، (۱۳۸۷)، مبادی فقه و اصول، چاپ نوزدهم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۹- قربان نیا ناصر و همکاران، (۱۳۸۴)، بازپژوهشی حقوق زن، چاپ اول، تهران: انتشارات روز نو
- ۲۰- قرشی سيد اکبر، (۱۳۷۷)، تفسير احسن الحديث، چاپ سوم، تهران: بنياد بعثت، ج ۲
- ۲۱- قمي صدوق محمدبن علی بن بابويه، (۱۴۱۵ ه.ق)، المقنع، چاپ اول، قم: موسسه امام هادی (ع)
- ۲۲- قمي، صدوق، محمدبن علی بن بابويه، من لا يحضره الفقيه، مترجم: غفاری علی اکبر، بی تا، قم، ج ۶
- ۲۳- کاتوزیان ناصر، (۱۳۸۲)، حقوق مدنی (خانواده)، چاپ ششم، تهران: شرکت انتشار، ج ۱
- ۲۴- کلینی ابوجعفر محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ ه.ق)، الکافی (ط - الاسلاميه)، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلاميه، ج ۵
- ۲۵- گرجی ابوالقاسم و همکاران، (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران
- ۲۶- مترجمان، (۱۳۷۷)، ترجمه تفسير جامع الجوامع، چاپ دوم، مشهد بنياد پژوهش های اسلامي آستان قدس رضوی، ج ۱
- ۲۷- مکنون ثريا و صانع پور مريم، (۱۳۷۴)، بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات تبلیغات اسلامي
- ۲۸- موسوی همدانی سيد باقر، (۱۳۴۷) ترجمه تفسير المیزان، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ایران، ج ۱۸
- ۲۹- مهرپور حسين، (۱۳۷۹)، مباحثی از حقوق زن، تهران: انتشارات اطلاعات
- ۳۰- نجفی صاحب جواهر محمد حسن، بی تا، جواهر الکلام فی شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بيروت: دار احياء التراث العربی، ج ۳۱
- ۳۱- یثربی ميرسيد محمد، (۱۳۹۰)، حقوق خانواده ۱، چاپ اول، قم: انتشارات علامه بهبهانی
- مقالات
- ۳۲- يوسف زاده حسن، (۱۳۸۴)، جامعه شناختی مهریه، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۷
- ۳۳- ملک زاده فهمیه، (۱۳۸۸)، بررسی مهریه در حقوق موضوعه ایران، مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان، شماره ۴

- ۳۴- احمدیه مریم (۱۳۹۱)، اخلاق در خانواده، نشریه: مطالعات راهبردی زنان، تابستان ۱۳۸۰، ش ۱۲
- ۳۵- قلی زاده آذر و غفاریان سحر، ۱۳۹۰، آسیب شناسی مهر و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی موثر بر آن، جامعه شناسی زنان، شماره ۱
- ۳۶- علیمردانی اسدالله، (۱۳۸۸)، بازشناسی قواعد حقوقی و اخلاقی حاکم بر مهریه و حقوق اسلامی، شماره ۱۶
- ۳۷- محمودی امامی نمینی، (۱۳۸۶)، ماهیت مهر و نقد مهریه‌های سنگین، مقالات و بررسی‌ها، ۸۶، ص ۳۵
- ۳۸- زندی محمدرضا، (۱۳۹۰)، جواز حبس مدیون ممتنع مماطل، قضاوت، شماره ۷۰
- ۳۹- اسحاقی تیموری آریتا، (۱۳۹۶)، بررسی نقش اخلاق در مهریه و حقوق خانواده در نظام حقوقی، دومین کنفرانس ملی حقوق - الهیات و علوم سیاسی، مرکز توسعه آموزش های نوین
- ۴۰- خباز مریم، (۱۳۹۱)، مصوبه مهریه ۱۱۰ سکه ای در ابهام، جام جم، شماره ۳۳۸۱

پایان نامه

- ۱- اسدی الهام، (۱۳۹۲)، بررسی ابداعات و نوآوری های قانون جدید حمایت خانواده نسبت به مصوبات قبلی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، دانشکده علوم انسانی - حقوق، کارشناسی ارشد
- ۲- محمدشاه علی، بررسی تحولات و نوآوری‌های لایحه جدید حمایت خانواده، کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، بهمن ۱۳۹۱

سایت ها

- 1- <http://press.jamejamonline.ir/Newspreview/2144308366115495417>
- ۲- <http://vista.ir/article/228381> سایت: ۱۳۹۱/۸/۲۰
- 3- <https://www.civilica.com/paper-CJLPO2-VJLPO2>